

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social

اجتماعی

سازمان انقلابی افغانستان

۰۴.۰۲.۱۰

تحلیل طبقات جامعه افغانستان

به ادامه گذشته:

طبقه زمیندار؛ خان، بادار، ملاک و یا ارباب

زمینداران کسانی اند که هم زمین و هم بخشی از ابزار زراعی را در اختیار داشته و با بهره مالکانه دهقانان را استثمار می کنند. زمینداران بزرگ از ۱۰۰۰ تا ۷۵۰۰۰ جریب زمین را در اختیار دارند، در حالی که زمینداران میانه از ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ جریب و زمینداران کوچک از ۱۰۰ تا ۵۰۰ جریب زمین را مالک اند. اینان در مناطق مختلف کشور نسبت به مساحت زمین تعداد معینی دهقان در اختیار دارند. پایگاه اصلی فیودالیزم دهات است و نمایندگان روشنفکر آنان در مراکز قدرت دولت نیز قرار دارند و تلاش می کنند که با هر مزدوری و وطنفروشی در برابر انقلاب بایستند و راه پیروزی کمونیست ها را سد نمایند که نابودی قدرت آنان را به دنبال دارد. زیرا شاخص اصلی طبقاتی کنونی دولت افغانستان اختلاطی از اربابان و کمپرادوران مزدور می باشد.

زمینداران بزرگ نیز در چند سال اخیر دستخوش تغییرات بسیاری شده اند. برخی از مالکان ارضی که در سال های قبل از کودتای ثور مشهور بوده اند، در چند سال اخیر از یکسو زیر فشار گروپ های مسلح در دهات، اقتدار طبقاتی شان را از دست داده و از سوی دیگر با تقسیم زمین میان فرزندان، دیگر از امکانات وسیع زمینداری و راندن سلطه خانی مثل گذشته بر دهات بهره مند نبوده، جز آنانی که در سال های جنگ یکی از اعضای خانواده، تفنگ قوماندانی را گرفته و حریم زمین و ملک خانواده را حفظ کرده، دیگران موقعیت شان را از دست داده اند. اما اربابان تازه به دوران رسیده که درین سال ها در سراسر کشور ظهور کرده و بسیاری از آنان با خشونت قدرت می رانند و در رأس احزاب و تنظیم های جهادی نیز قرار دارند، بخش مهمی از زمینداران را می سازند. آنان با تمسک به دین، سنت و عرف که ریشه در بنیادهای فیودالی دارد، با فرهنگ فیودالی به جنگ هر نمودی از سرمایه داری می روند و چون "چن از بسم الله" از انقلابیون هراس دارند. اکثر مزدورانی که در ارگ می لولند، ازین طبقه آمده اند. بسیاری از افرادی که در پارلمان حضور دارند نمایندگان این طبقه اند و به این صورت اینان رابطه میان شهر و ده را برقرار می سازند. در بعضی جاها قدرت زمینداران بزرگ چنان عمیق و گسترده است که مثلاً حاجی پاینده در سرپل می تواند یکی از معلمان ده زیر نفوذ خود را زمانی از ده بیرون کند و اجازه زندگی به او و خانواده اش در آن ده ندهد که یکی از دوستان این خان به زن این معلم تجاوز کرده و بعد از

آن که حاجی پاینده و برادرش دو لک افغانی از این متجاوز به عفت زن معلم رشوه می گیرند، این فیصله را در حضور مردم ده می نمایند که معلم باید ده را ترک کند، و معلم بیچاره هم جبراً به این کار تن می دهد.

سید منصور نادری که دره کیان را با تمام امکانات آن در ید قدرت خود دارد، نه تنها از قدرت ملاکی عام و تام برخوردار است، که حزب پیوند ملی را نیز ساخته و عده ای از وطنفروشان پرچمی را نیز در اختیار گرفته و حاکمیت فیودالی پدر خود را بر مردم می چلاند و کسی هم توان ایستادن در برابرش را ندارد. برادرش در ارگ وزیر مشاور است و به این صورت ناف آن با این حاکمیت که زائیده اشغال است، پیوند خورده و یکی از منافع دیگری در شهر و ده حمایت می کنند. ضابط جلیل در فراه که نواسه حاجی سلطان محمد خان، بزرگترین فیودال افغانستان در قبل از کودتای ثور است و یکی از قومندانان جهادی می باشد، چون در سال های نبرد سلاح و نفر در اختیار داشت، نه تنها ۷۵ هزار جریب زمین پدر و پدرکلان را حفظ کرد، که زمین های دیگری را هم به تصرف خود درآورد و به تورن جنرالی این رژیم هم رسید. عارف نورزی یکی دیگر ازین ملاکان ارضی است که با شرکت در جنگ مسلحانه و استفاده از مناسبات قبیله ئی قادر شد تمام زمین های خود را در کندهار و هلمند حفظ نماید و حال یکی از وکیلان بنام پارلمان می باشد که مدتی معاون ولسی جرگه هم بود. حاجی دین محمد که قبل از پسر مجددی والی کابل بود، خانواده او از ملاکان زورمند و بزرگ شرق کشور به حساب رفته و در سال های جنگ از طریق جنگسالاری، زمین های بسیاری را غصب کرده است. حضرت علی برخی از زمین های دشت گمبیری ننگرهار را به تصرف خود درآورده و اکنون وکیل در ولسی جرگه می باشد. کبیر فراهی که معین سیاسی وزارت خارجه است، از خانواده زورمند فیودالی است. مثال های بسیاری از افراد این طبقه از تمام نقاط کشور در حاکمیت فعلی وجود دارد که مجال آوردن تمام آن ها درینجا ممکن نیست.

ملاکان ارضی که در نقاط مختلف کشور یا خود و یا خانواده های شان تا هنوز بیشترین استثمار را از طریق بهره مالکانه انجام می دهند، برخی از آنان عبارتند از:

حاجی سلطان محمد خان (بغلان جدید) ۴۰۰۰ جریب، خواجه لعل آقا (دهنه غوری) ۲۴۰۰ جریب، رئیس عتیق (بغلان) ۲۰۰۰ جریب، وکیل عبدالرشید (بغلان) ۱۷۰۰ جریب، وکیل نسیم (بغلان) ۱۴۰۰ جریب، علی احمد وزیر دربار (بغلان) ۹۰۰ جریب، حاجی هاشم (بغلان) ۹۰۰ جریب، حاجی اختر (بند غوری بغلان) ۸۰۰ جریب، حاجی پاچا میر (باغ شمال بغلان) ۵۷۰ جریب، ارباب سیدال (چشمه شیر بغلان) ۵۰۰ جریب.

محب الله خان (خان آباد کندز) ۱۰۰۰۰ جریب، حکیم خان (خان آباد کندز) ۵۰۰۰ جریب، سرور ناشر (کندز) ۴۰۰۰ جریب، سردار محسن (قلمچه کندز) ۳۰۰۰ جریب، حاجی قدوس آفتاش (آفتاش کندز) ۱۵۰۰ جریب، حاجی نازکمیر (دشت ارچی کندز) ۱۲۰۰ جریب، حاجی بابا میر (کندز) ۱۰۰۰ جریب، حاجی اختر کاکر (قلعه زال کندز) ۱۰۰۰ جریب، حاجی فضل الرحیم شینواری (کندز) ۵۰۰ جریب، ننگ یوسفزی (کندز) ۵۰۰ جریب، حاجی امان (کندز) ۴۰۰ جریب.

برکت عبدالاحمد خان (غزنی) ۲۰۰۰۰ جریب، خان محمد خان (غزنی) ۱۰۰۰۰ جریب، حاجی شیر (قلعه پسارغزنی) ۱۰۰۰ جریب، وکیل عبدالرشید خان (غزنی) ۴۰۰ جریب.

وکیل حسین (کشم بدخشان) ۲۰۰۰ جریب، حاجی برهان الدین (شهر بزرگ بدخشان) ۲۰۰۰ جریب، سید محی الدین (کشم بدخشان) ۱۵۰۰ جریب، مخدوم عصمت الله (فیض آباد بدخشان) ۱۵۰۰ جریب، سید احمد خان دهقان (کشم بدخشان) ۱۰۰۰ جریب، حکیم بای بدخشی (فیض آباد بدخشان) ۸۰۰ جریب.

سردار سریاور غفور (مزارشریف) ۵۰۰۰ جریب، قیوم بای (مزارشریف) ۵۰۰ جریب.

حاجی هیکل (کلفگان تخار) ۴۰۰۰ جریب، حاجی قادر (رستاق تخار) ۴۰۰۰ جریب، کرنیل قره قل (بهارک تخار) ۳۰۰۰ جریب، میر ولی (ینگلی قلعه تخار) ۳۰۰۰ جریب، ایشان نبی (فرخار) ۲۵۰۰ جریب، ملا قربان عرب (تالقان) ۲۰۰۰ جریب، حاجی کولاب (بهارک تخار) ۲۰۰۰ جریب، نائب نبی (خواجه بهاءالدین و درقد تخار) ۲۵۰۰ جریب، جمشیدخان (چاه آب تخار) ۲۰۰۰ جریب، حفیظ بای (تالقان) ۱۰۰۰ جریب، میرهای اندرکوه (بهارک تخار) ۱۰۰۰ جریب، قچقارخان (ختایان تخار) ۱۰۰۰ جریب، حاجی عبدالرسول (چیچکه تخار) ۱۰۰۰ جریب.

خاندان حاجی سلطان محمد خان (بالابلوک فراه) ۷۵۰۰۰ جریب، حاجی نورمحمد خان و برادران (پشت رود فراه) ۵۰۰۰ جریب، حاجی حکیم جان (فراه) ۵۰۰۰ جریب، حاجی رحیم جان و برادران (قلعه کاه فراه) ۵۰۰۰ جریب، یعقوب جان (بکوا فراه) ۲۰۰۰ جریب، حاجی ملک شیر (خاک سفید فراه) ۶۰۰ جریب. حسن خان مهمند (کامه ننگرهار) حدود ۱۰۰۰ جریب، حاجی میرافضل خان (گوشته ننگرهار) ۵۰۰ جریب، حاجی مطیع الله خان (ننگرهار) ۴۰۰ جریب، حضرت مجددی (ننگرهار) ۷۰۰ جریب، سید احمد گیلانی و برادران (سرخرود ننگرهار) ۷۰۰ جریب، لعل آقا (ننگرهار) ۴۰۰ جریب.

پاینده محمد خان (سرپل) ۱۰۰۰ جریب، خیر محمد اسحاقزی (بغاوی سرپل) ۲۰۰۰ جریب، کمال الدین خان اسحاقزی (سرپل) ۳۵۰۰ جریب، بهاءالدین خان اسحاقزی (سرپل) ۴۰۰۰ جریب، تیمورشاه خان (کوهستانات سرپل) ۲۳۰۰ جریب، میرحمزه خان (کوهستانات سرپل) ۲۳۰۰ جریب.

وکیل عبدالرشید خان (شبرغان) ۱۵۰۰ جریب، توره باز خان (جوزجان) ۳۷۰۰ جریب، جلاد خان (جوزجان) ۲۰۰۰ جریب، خدای نظرخان (قسمسای جوزجان) ۱۲۰۰ جریب، حاجی محمدقل بای (جوزجان) ۴۸۰۰ جریب. وزیر عبدالرحیم خان (محمود راقی کاپیسا) ۳۰۰ جریب، خان های دشتک پنجشیر ۱۰۰ جریب.

محمد افضل خان، عبدالخالق خان، حاجی محمد شفیق خان، گل سردار خان، حاجی نظرخان، حاجی عبدالله خان، محمد توفیق خان، محمد ایوب خان، حاجی قاهرخان، حاجی عبدالحی خان، محمد طارق خان، محمد هارون خان، عبدالرحمن خان بابی، مجیدخان بابی، عظامحمد خان بابی، حاجی عبدالله خان بابی، ملانقیب الله، حاجی عبدالله خان صراف، حاجی محمد خان صراف و حاجی بشر خان از ولایت کندهار هر یک بیش از ۵۰۰ جریب زمین دارند و سالانه تا ده دهقان بی زمین را استثمار می کنند.

از ولایت هلمند شاه ولی خان، حبیب الله خان، محمد عمر خان، حاجی سرور خان، حاجی عبدالقادر خان، خلیفه حاجی شیرین خان، جمال خان، دوست محمد خان، اورنگ خان، شیرمحمد خان، امان الله خان، ظاهرخان، محمدولی خان، تاج محمد خان، حاجی نفس خان و محراب خان از ملاکانی اند که هر یک بیش از ۵۰۰ جریب زمین دارند و سالانه تا ده دهقان را استثمار می کنند.

از ولایت نیمروز خاندان حاکم سلطان محمد خان کنگ، حاجی امان الله خان، حاجی ابراهیم خان، سخی الله داد خان، سردار دستگیر خان که هر یک بیشتر از دو هزار جریب زمین در اختیار دارند.

علاوه بر اینانی که از گذشته ارباب و خان بوده، در دوران جنگ های سی ساله، عده ای از زورسالاران زمین های بسیاری از مردم و یا زمین های دولتی را غصب کرده و امروز جزئی از اربابان نو به دوران رسیده اند که نه تنها این همه زمین را چور نموده، که به زور آب مردم را می گیرند، بر برخی از دهقانان به زور کار هم می کنند، و در حشر و جو کنی اکثراً شرکت نمی کنند. اینان هم در دهات و هم در شهرها به چنین چورهایی دست زده و علاوه به این که اربابی برخی از روستاها را در دست دارند، در شهرها نیز صاحب ده ها جریب

زمین، مارکیت و شهرک نیز شده اند. درینجا تعدادی از این زورسالارن را نام می بریم: احمدشاه احمدزی که دوران جنگ های تنظیمی وزیر داخله بود، تنها در شهر کابل ۱۲۲ خانه را به نام خود کرده است. مولوی عبدالرحمان، وکیل اورنگ، معاون صفر، قومندان پیمان، داوود فرخاری، مخدوم عبیدالله، قومندان میرعلم، قاری رحمت الله، آمر لطیف، صوفی منان، آمر عبدل، قومندان غلام اندرابی، عبدالله رستاقی، میرزای ناصری، حاجی لقای اندرابی، رسول اندرابی، مصطفی اندرابی، آغاشیرین، امیرگل بغلانی، پیرمقل، بشیر چاه آبی، قاضی کبیر، مامور حسن، حاجی آغاگل، مطلب بیک، پیرمحمد آهnderه، انجنیر محمد عمر، سبحان قل، ارباب عبدالولی، قاری امیر و ملامحمد عمر هزارگی، قیوم بای، قومندان احمدی، داکتر قدم شاه، جنرال نظیر محمد، زلمی خان، عظامحمد نور، جنرال بسم الله، شمسی، لال قومندان، قلیچ قومندان، وکیل پاینده و برادرش، امیر چوغه، مجید پاچا خان تاشقرغانی، گل محمد قومندان، کریم براهوی، قومندان خواجه عیسی، یحیی خان سیواشانی، ضابط جلیل، کمیسر، فهیم، حاجی دین محمد، حاجی ظاهر، پاچا، حضرت علی، قرار، زمان، انجنیر غفار، منجی، مولوی تره خیل، حاجی نبی (برادر خلیلی)، عارف داوری، علم گل کوچی، امین یکاولنگی، آخند محمدی و غیره.

با اینکه ۷۲ درصد هموطنان ما ده نشین اند و به دهقانی مصروف می باشند، اما زمینداران بزرگ، میانه و کوچک در شرایط کنونی حدود ۵ درصد ساکنان دهات که ۱۸۰۰۰ نفر را در بر می گیرد و چون حد وسط هر فامیل ۵ نفر گرفته می شود، لذا تعداد افرادی که با مناسبت اربابی زندگی می کنند، ۹۰۰۰۰۰ نفر را می سازند که در مجموع حدود ۵۰ درصد زمین های قابل کشت کشور را در اختیار دارند. حدود ۲۰ درصد زمین ها در اختیار دهقانان مرفه و ۳۰ درصد دیگر در اختیار دهقانان میانه حال قرار دارد. در میان زمینداران، کمتر از نیم آنان از زمینداران سابق و بیشتر از نیم دیگر در جریان ۳۰ سال گذشته به این موقعیت دست یافته اند. برخی از زمینداران سابقه نیز با تفنگ «جهاد» توانسته اند که زمین های شان را از چپاول تفنگداران دیگر نجات دهند و خود زمین های دهقانان و یا افرادی از ملیت های دیگر را غصب نمایند. به این صورت دیده می شود که از ۱۸ میلیون ده نشین، ۱۶ میلیون نفر با شرایط دهقانی، ۹۰۰ هزار نفر با شرایط اربابی، ۲۰۰ هزار نفر خرده بورژوازی که هر یک با پنج نفر فامیل بوده و به این ترتیب یک میلیون نفر با شرایط خرده بورژوازی دهاتی (مامور پایین رتبه، معلم، اهل حرفه، دکاندار و غیره) و صد هزار دیگر با شرایط کارگری زندگی می کنند که جمله ۱۸ میلیون نفر شده و همان ۷۲ درصد ۲۵ میلیونی نفوس کشور را می سازند.

طبقه زمیندار که شامل بروکراتیک و غیر بروکراتیک است، به عنوان دشمنان خونی خلق به حساب آمده و جناح شریر آن از هیچ ظلم و ستمی نسبت به دهقانان دریغ نمی ورزد. در پشت بسیاری از دزدی ها، چپاول داری های مردم، اختطاف ها، تجاوز به زنان و دختران زحمتکشان، جاسوسی به نیروهای اشغالگر، همکاری با نیروهای سرکوبگر دولتی، غصب زمین های دولت و عامه و در مناطق زیر نفوذ طالبان همکاری با آنان و آشتی دادن خارجی ها با طالبان، اعضای این طبقه قرار دارند. افراد این طبقه در عین حال با دولت در ارتباط تنگاتنگی قرار داشته و هیچ وقت در اجرای کارهایی که به ادارات دولتی رابطه داشته باشد، دچار پرابلم نمی شوند و در مرکز و ولایات مورد احترام دولتی ها قرار دارند. زمینداران به عنوان یک طبقه حامی تجاوز و اشغال، در جریان انقلاب دموکراتیک نوین سرنگون می شوند و زمین های شان میان دهقانان بی زمین تقسیم می گردد. این یکی از وظایف مهم انقلابیون درین دوره از انقلاب است.

ادامه دارد